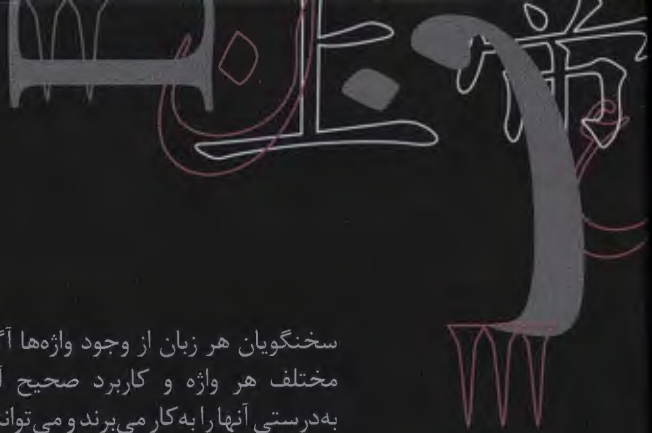


فرهنگ‌نامه‌های ۱۲
زبان‌شناسی

فرهنگ توصیفی صرف

ویدا شقاقی



سخنگویان هر زبان از وجود واژه‌ها آگاهند و به معانی مختلف هر واژه و کاربرد صحیح آن اشراف دارند؛ به‌درستی آنها را به‌کار می‌برند و می‌توانند واژه‌ها را از غیر آن تشخیص دهند. اما نمی‌توانند به‌سادگی و بدون تحقیق دربارهٔ پیشینهٔ ساخت و اجزاء واژه‌های غیربسیط سخن گویند. در نیم‌قرن گذشته بخشی از پژوهش‌های زبانی، به صرف یعنی مطالعهٔ فرایندهای واژه‌سازی، ساختمان واژه و اجزاء آن اختصاص یافته است. و بر مبنای مطالعهٔ صرف زبان‌های گوناگون، نظریه‌ها و الگوهای متنوعی حاصل شده است. از این رو با گسترش و فزونی گرفتن واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی، فرهنگ تخصصی از ضروریات می‌نماید. در فرهنگ حاضر سعی بر این بوده تا به کمک مثال از زبان‌های مختلف، توصیفی ساده برای این قبیل واژه‌ها و اصطلاحات به دست داده شود.



فرهنگ توصیفی صرف

ویدا شقای



سرشناسه	: شقاقى، ويدا، -
عنوان و نام پديدآور	: فرهنگ توصيفى صرف/ويدا شقاقى.
مشخصات نشر	: تهران: نشر علمى، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهرى	: ۲۶۹ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۴-۲۹۷-۳
وضعيت فهرست نويسى	: فيبا
يادداشت	: کتابنامه
موضوع	: دستور زبان تطبيقى -- صرف -- واژه نامه ها
رده بندى کنگره	: ۲۳۹۴ ۷۲/ش ۲۲۴۱
رده بندى ديويى	: ۴۱۵/۰۱۴
شماره کتابشناسى ملي	: ۳۹۰۱۱۷۸



خیابان انقلاب - مقابل دانشگاه تهران شماره ۱۲۲۴

تلفن: ۶۶۴۶۰۶۶۷ فکس: ۶۶۴۹۶۶۱۱

فرهنگ توصیفی صرف

ويدا شقاقى

چاپ اول: ۱۳۹۴

تیراژ: ۷۰۰ نسخه

ليتوگرافى: کوثر

چاپ: رامین

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۴-۲۹۷-۳

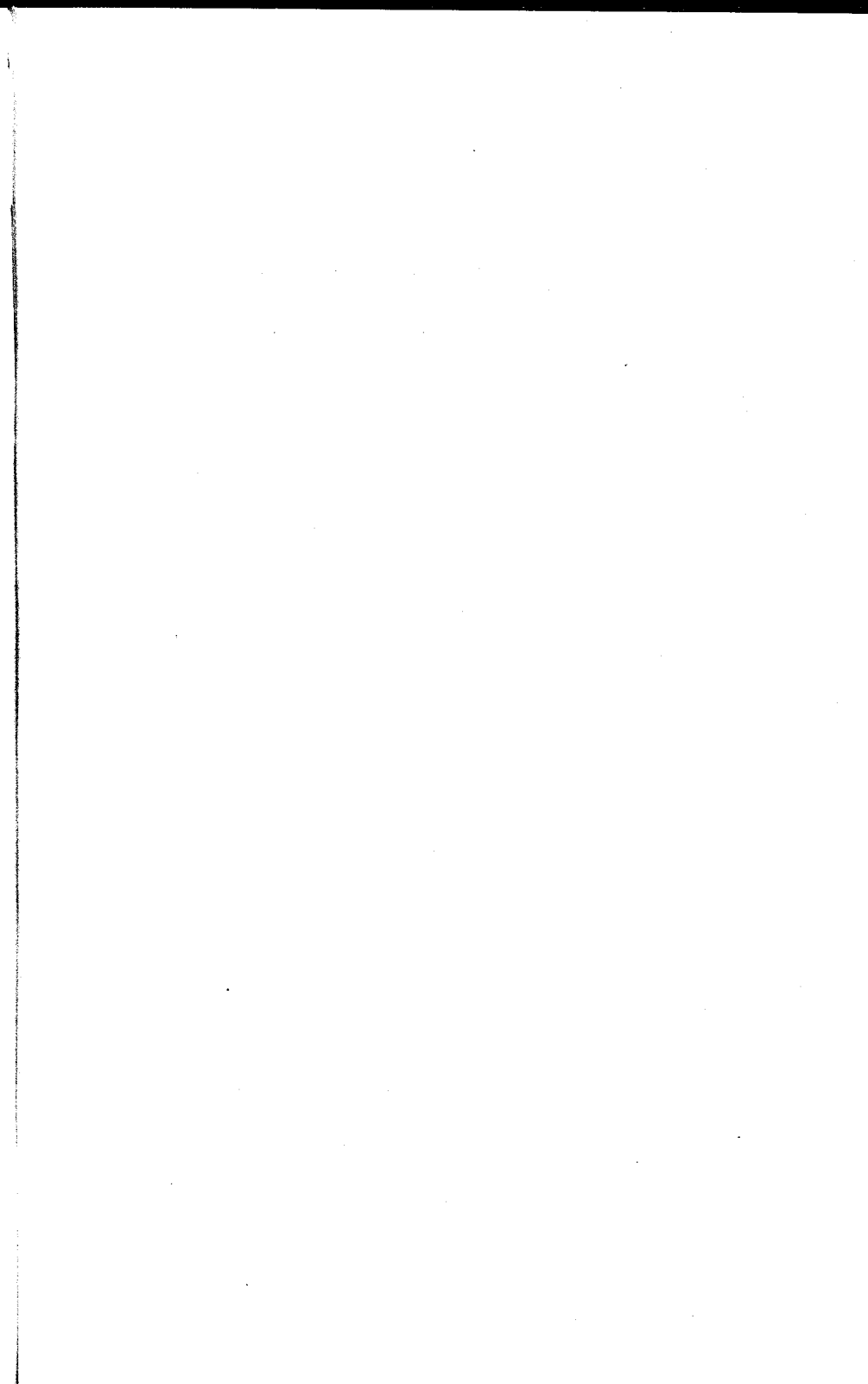
مرکز پخش: انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - شهدای ژاندارمری - پلاک ۱۰۳

تلفن تماس جهت دریافت کتاب در منزل یا محل کار: ۱۲ و ۵۱۱-۶۶۴۶۰۷۲-۶۶۴۶۳۰۷۲

یادداشت ناشر

بومی سازی هر دانشی، زمانی تحقق می یابد که واژگان فنی آن علم به صراحت توصیف شده باشند و از هیبتی برخوردار شوند که بتوان به گونه ای یکدست و هماهنگ به کارشان برد. در کنار دو مجموعه ی «کهن نامه های زبان شناسی» و «نگین های زبان شناسی»، سعی بر این بوده است تا با مجموعه ی تازه ای به نام «فرهنگ نامه های زبان شناسی» به این هدف دیرینه، یعنی همانا دستیابی به آرمان تمامی زبان شناسان ایران که چیزی جز «زبان شناسی در خدمت زبان های ایران» نبوده و نیست، تحقق ببخشیم.

محمدعلی علمی



فهرست مطالب

- ۷ فهرست نشانه‌ها
- ۸ فهرست علائم اختصاری
- ۹ پیشگفتار
- ۱۹۹ فهرست انگلیسی به فارسی
- ۲۳۰ فهرست فارسی به انگلیسی
- ۲۶۷ منابع

فهرست نشانه‌ها

=	نشانه واژه‌بست
-	نشانه پسوند که قبل از وند می‌آید.
-	نشانه پیشوند که بعد از وند می‌آید.
∅	نشانه تکواژ صفر
" "	نمایش مثال‌ها
' '	نمایش معنی واژه یا جمله
()	نمایش منابع
↔	نشانه درهم‌آمیختن دو صورت
/	به معنی "یا"
←	به تعریف واژه یا عبارت بعدی مراجعه شود.
⇐	تشکیل می‌شود از- برابر است با

فهرست علائم اختصاری

1sg	1 singular	مفرد
ABS	absolutive	مطلق
ACC	accusative	مفعولی
APPL	applicative	کاربردی
CAUS	causative	سببی
ERG	ergative	کنایی
FUT	future	آینده
INSTR	instrument	ابزار
INTR	intransitive	ناگذر
N	noun	اسم
NOM	nominative	فاعلی
NEG	negative	منفی
OBJ	object	مفعول
OBL	oblique	غیرفاعلی
PL	plural	جمع
POSS	possessive	ملکی
PST	past	گذشته
SG	singular	مفرد
SUBJ	subject	فاعل
TR	transitive	گذرا

پیشگفتار

در عصر حاضر علوم با شتابی فزاینده در حال تغییر و دگرگونی‌اند و گسترش و تنوع حاصل بر حوزه زبان نیز تاثیر داشته و منجر به خلق واژه‌هایی برای مفاهیم نو شده‌است. این واژه‌ها گاه با گسترش یا محدودسازی معنی از حوزه‌ای دیگر به وام گرفته شده‌اند و گاه به وسیله گویشوری ابداع گردیده‌اند. برخی واژه‌های جدید به معنایی کاملاً تخصصی در رشته‌های مختلف به کار برده می‌شوند و توصیف این مفاهیم به کمک فرهنگ‌های تخصصی ضروری می‌نماید.

بخشی از مطالعات زبانی، به صرف - یعنی بررسی ساختمان واژه و چگونگی شکل‌گیری واژه‌ها و اجزاء به کار رفته در هر واژه - اختصاص یافته است. در این حوزه نیز به سبب گسترش مطالعات و تنوع آراء و نظریات مطرح، نیاز به توصیف و تبیین واژه‌ها و اصطلاحات کاملاً محسوس است. از این رو به پیشنهاد همکار دانشمندم، آقای دکتر کوروش صفوی و به همت آقای محمدعلی علمی مقرر شد تا فرهنگی توصیفی برای حوزه صرف فراهم شود. فرهنگی که در پیش رو دارید به واژه‌های حوزه صرف پرداخته‌است. این فرهنگ برای دانشجویان زبان‌شناسی فراهم شده تا در آغاز راه با مفاهیم رایج در

صرف آشنا شوند. با توجه به این که پایگاه داده‌هایی برای واژه‌های تخصصی این حوزه در دسترس نبود به ناچار از چند کتاب صرف چاپ سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ میلادی واژه‌های مورد نظر گردآوری شد. تعدادی از این واژه‌ها و اصطلاحات به وسیله نگارندگان فارسی زبان کتاب‌ها و مقالات به فارسی برگردانده شده بودند. بنابراین گاه بیش از یک معادل فارسی برای واژه‌ای خارجی در متون فارسی یافت می‌شد. نگارنده این فرهنگ، معادلی را که به نظر می‌رسید رواج بیشتری در میان زبان‌شناسان معاصر دارد انتخاب کرده است. گاه انتخاب معادل با توجه به واژه‌های هم‌خانواده در زبان انگلیسی و فارسی انجام شده است تا بتوان رابطه نسبتاً یکدستی میان عناصر منتخب برقرار کرد. و به هر حال نمی‌توان سلیقه شخصی نگارنده را نادیده انگاشت.

معادل‌های فارسی داده‌شده در این فرهنگ از میان معادل‌های به کار رفته در متون زبان شناسی به زبان فارسی و فرهنگ‌های زبان‌شناسی و علوم وابسته انتخاب شده‌اند و تعاریف داده‌شده از کتاب‌های مندرج در فهرست منابع برگزیده شده‌اند. ممکن است توضیحاتی که برای واژه‌ها داده‌شده غیرضروری یا زائد به نظر برسد اما اینها را با توجه به پرسش‌هایی که در کلاس‌های درس و هنگام مواجهه با این واژه‌ها مطرح شده‌اند نوشته‌ام. برخی معادل‌های فارسی واژه‌ها باعث بروز ابهام و دیرفهمی مطلب می‌شوند. به طور مثال واژه‌های *synthetic*, *compound*, *composite*, *prephrastic* و... را ترکیبی نامیده‌اند. بنابراین سعی شده تا معادلی انتخاب یا پیشنهاد شود که به درک سریع موضوع کمک کند.

برای هر مدخل در صورت نیاز مثالی داده شده‌است. مثال‌ها از زبان فارسی یا زبان‌های دیگر ارائه شده‌است. منبع مثال نیز داده شده و نام کتابی که مثال از آن اقتباس شده در فهرست منابع آمده است.

چنانچه دو مدخل تعریف یکسانی داشته باشند فقط در یک مورد تعریف داده شده است و مدخل دیگر با نشانهٔ پیکان (←) مشخص می‌گردد. و همچنین در صورت نیاز به توصیف بیشتر، با علامت پیکان مدخل دیگری نیز مشخص شده است که اطلاعات بیشتری در بارهٔ آن واژه داراست. به طور مثال، الگوی نازایا / سترون ← زایایی به معنی این است که برای تعریف به واژهٔ زایایی مراجعه شود.

برای متمایز یا برجسته ساختن واحدی زبانی در توصیف‌های داده شده از نشانه‌های مختلفی استفاده شده است. قلم توپر سیاه برای کلماتی به کار رفته که در مدخل دیگری توصیف شده‌اند. از نشانهٔ نقل قول "..." برای نمایش مثال‌های مطلب گفته شده و متمایز ساختن آنها از باقیماندهٔ متن و از نشانهٔ نقل قول منفرد '...' برای نمایش معنی واژه یا جمله استفاده شده است. برای نمایش تاکید و تقابل یک عنصر با کل ساخت یا سازه‌ای، با گذاشتن خطی در زیر واژه مورد نظر، آن را برجسته کرده‌ایم. چنانچه واژه یا اصطلاح متداول دیگری برای مدخلی یافت شود با نشانه ویرگول در کنار آن مدخل ذکر می‌شود. توصیف برخی واژه‌ها با در نظر گرفتن بسامد یا کاربرد و تیرگی قواعد ساخت آنها، مفصل‌تر از برخی دیگر است.

ویداشقایی

خرداد ۱۳۹۴

optative

آرزویی

ارزش تصریفی مشخصه وجه که تمنا و آرزوی وقوع رویدادی را بیان می‌کند. "در ایرانی باستان ماده آرزویی از پیوستن "za ya za ha یا "za به صورت مضاعف ریشه ساخته می‌شده است، مانند "wīwarša" به معنی آرزوی وزیدن کردن" (ابوالقاسمی ۱۳۷۳: ۱۵).

freedom of host selection

آزادی انتخاب پایه

یکی از خصوصیات واژه‌بست‌ها، مبنی بر این که به مقوله‌های نحوی متفاوتی به عنوان پایه می‌چسبند. در زبان فارسی پی‌بست ضمیری "ش" در ساخت‌های "کتابش، کتاب جدیدش، خریدش و برایش" به ترتیب به پایه‌هایی از مقوله اسم، صفت، فعل و حرف اضافه متصل شده است.

freedom of movement

آزادی حرکت

آزمونی برای تشخیص وضعیت واژه در گروه به کمک اسنادسازی، مبتداسازی و غیره که در مورد سازه‌های واژه یا وندها عمل نمی‌کند. به طور مثال صفت

"جوان" در "آن پسر جوان [گروه] اسی" را می‌توان با اسنادسازی در جایگاه مسند جمله "آن پسر [گروه] اسی [جوان است] گروه. نملی." گذاشت اما پسوند "وار" در "رفتار آدم [گروه] اسی" را نمی‌توان در جایگاه مسند جمله "رفتار آدم [گروه] اسی [وار است] گروه. نملی" قرارداد.

آسیب ویژه‌زبانی Specific Language Impairment (SLI)

اختلالی ژنتیک در افرادی دارای هوش معمولی که هیچ نوعی مشکل شنوایی ندارند اما در تولید و درک زبان کند هستند و از گفتارشان برخی تکواژهای تصریفی حذف شده‌است.

آغازه onset

هم‌خوان آغازی هجا که پیش از هسته می‌آید. همه هجاها آغازه ندارند. هم‌خوان /s/ "در هجای "سر/sar/ قبل از هسته "a/ می‌آید و نقش آغازه را دارد.

آغازی inceptive

تمایزی نمودی که بر آغاز عمل تمرکز دارد. در مثال برگرفته از (لیبر^۱ ۲۰۰۹: ۹۶) در زبان مانپوری^۲ از خانواده بورمان - تبتی^۳، نشانه "gət" آغاز عمل را می‌نماید:

məhak-nə phu-gət-li

he-NOM beat-start-NON.FUT

'He began to beat it (and would continue to do so)'

'او شروع به زدن آن کرد (و به این کار ادامه خواهد داد).'

1- R. Lieber

2- Manipuri

3- Tibeto-Burman

blending

آمیزش

نوعی واژه‌سازی از اجزاء دو یا چند واژه، که با هم ترکیب شده و واژه‌ای جدید می‌سازند. هیچکدام از این اجزاء تکواژ به شمار نمی‌آیند، مانند: "فوتبال+ داخل سالن ← فوتسال".

blend

آمیزه

واژه‌ای متشکل از اجزاء دو یا چند واژه. مثلاً واژه "چوکا" از اجزاء "چوب و کاغذ ایران" و واژه "تورکود" از بخش‌های آغازی و پایانی دو واژه "تورم" و "رکود" ساخته شده‌اند.

future

آینده

ارزش تصریفی مشخصه زمان پس از این لحظه.